

## سینمای ایران؛ اتاق فرهنگی جنگ دشمن

۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۰:۱۱

خلق و تولید آثار و محصولات هنری متعهد به آرمانها و ارزشهای اسلامی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی بوده است. در این راستا و تا به امروز گامهای بلندی از سوی هنرمندان متعهد کشورمان برداشته شده است. نکته مهم در این باب میزان نیاز یک هنرمند ارزشی و متعهد بر مقوله تخصص و مهارت است. رابطه تعهد و تخصص در امر هنر به خصوص بحث سینما فحوای گفتگوی ما با فرج‌الله سلحشور کارگردان تئاتر و سینمای کشورمان را تشکیل داده است که در ادامه می‌خوانید.

تعهد و تخصص دو مقوله مهم در زندگی یک هنرمند است. در آغاز بفرمایید که اساسا تعریف شما از تخصص و تعهد چیست؟ به نظر من تعهد عهدی است که فرد با خدا می‌بندد و مسئولیتی است که در قبال اعتقاداتش دارد. اما تخصص فن، تکنیک یا فرمولی است که انسان یاد می‌گیرد. برای انسان مومن تخصص تعهد ایجاد میکند؛ یعنی از او بازخواست میشود چرا این علمی که داری را به‌کار نبستی و از این توانمندی که داری استفاده نکردی. متأسفانه خیلی از متخصصین اندوخته‌های علمی، فنی و تکنیکیشان را فقط شخصی می‌بینند و گمان می‌کنند این اندوخته‌ها فقط مال خودشان است و باید به‌نفع خودشان از آن بهره‌برداری کنند درحالی‌که اینطور نیست. آنچه که انسان دارد از سلامتی و از مال دنیا، زیبایی، جوانی، علم و... همه اینها نعمتهایی است که خدا به انسان داده و اینها را بایستی به‌عنوان انسانی که در راستای تعبد و بندگی به‌کار ببندی. اگر چه خیلی از مسائل را خدا به انسان داده اما چیزهای هم هست که خود انسان تلاش کرده و اندوخته است اما این دلیل نمیشود بگویم چون خودم یادگرفتم پس باید در برابرش بایستم و به هیچکس پاسخگو نیستم در مجموع من تخصص را مجموع اندوخته‌های شخصی انسان میدانم و تعهد و تعبد آن بخش از مسئولیتی است که انسان در قبال اعتقاداتش دارد. تعهد و تخصص انسان مومن و معتقد باید در جهت تعبد و ایمانش باشد.

شما به‌عنوان یک هنرمند در حوزه مسائل هنری کدامیک را مقدم بر دیگری میدانید؟ بعضیها می‌گویند تعهد و تخصص مثل دو بال یک پرنده هستند هر کدام که نباشد آن پرنده نمیتواند پرواز کند اما من این اعتقاد را ندارم چون دو بال برای یک پرنده مساوی هستند من تخصص و تعهد را مساوی نمیدانم من معتقدم که یک هنرمند بایستی هم تعهد و تعبد و ایمان و تقوا داشته باشد و در جهت ایمان و تقوایش تلاش کند و هم باید آن رشته‌های را که در آن فعالیت دارد خوب بشناسد این دو مساوی نیستند بلکه دو خط تشکیلاتدهنده یک صلیب هستند منتها خط بلندتر تعهد و تعبد، و خط کوتاه‌تر تخصص است اما هر کدام که نباشند

صلیبی وجود ندارد اینکه کوتاهتر است دلیل این نیست که نباشد اگر نباشد اصلا صلیب نیست ولی اگر بخواهیم نمره بدهیم به تخصص باید بدهیم هشتاد و به تعبد و تعهد باید بدهیم صد، اما اگر هر کدام نباشد صلیبی شکل نمیگیرد.

جایگاه این دو مفهوم را در سینمای ایران به‌خصوص سینمای بعد از انقلاب چگونه میبینید؟ باید ببینیم سینما را چه کسی بنیانگذاری کرده است سینما از کجا به دنیا منتشر و با چه اهدافی ایجاد شده است ما الان انرژی هسته‌های را پیگیری میکنیم در زمینه انرژی هسته‌های به تخصص رسیدیم این تکنولوژی را برای چه امری یاد گرفته‌ایم اگر برای کسب قدرت باشد خب طبیعی هست که ما باید بمب اتم بسازیم و ازش استفاده زورمدارانه بکنیم اگر نه و بخواهیم در جهت خدمت به بندگان خدا استفاده بکنیم کما اینکه ما الان داریم همین کار را میکنیم و این برای آمریکا و صاحبان قدرت که در دنیا به‌دنبال زورگویی هستند قابل فهم نیست که انسانی میتواند صاحب یک تکنولوژی یا یک قدرت باشد و آنقدرت توان تخریب و سلطه را داشته باشد اما از آن استفاده‌های نکند. نمیتواند این موضوع را باور کنند چون خودشان از قدرت برای تخریب استفاده کرده‌اند برای سلطه استفاده کرده‌اند عین این هم در زمینه هنر است. به هنرمند و فیلمساز گفتند تو برای رسیدن به اهداف برای اینکه در عرصه مسابقه زندگی از دیگران جلو بزنی بالاتر باشی برای اینکه در جشنواره‌ها اول بشوی، تو باید هنر را وسیله لذت بردن از دنیا قرار بدهی نه خدمت کردن به جامعه ات و هنر یک وسیله تفریحی است که هم خودت و دیگران باید فقط از آن لذت ببری و به نفسانیات و امور دنیوی ات برسی. درحالیکه خودش یعنی نظام سلطه این استفاده را نمیکند و از هنر به‌خصوص سینما برای تخریب ملت‌ها استفاده میکنند و اصلا هم به‌عنوان امر تفریحی از آن استفاده نمیکند فیلم میسازد برای اینکه ملت خودش را به اوج برساند، از این فیلم‌ها استفاده سیاسی میکند و برای اینکه فرهنگ خودش را به دنیا مسلط کند فرهنگ‌های دنیا را از بین میبرد به فیلمسازهای دنیا میگوید که شما فرهنگ کشور خودتان را نابود کنید. هرچه داستان در فرهنگ و جامعه شماست که نباید به فیلم تبدیل شود، شما باید در داستانه‌ها را خلاقیت به خرج دهید. داستانه‌های که تغییر میکنند دیگر ماهیتشان عوض شده. داستانه‌های زیادی در بین ملت ایران اتفاق افتاده است ولی همین داستان بخشی از هویت ایرانی است شما این داستانه‌ها را وقتی تغییرش دادید دیگر آن فرهنگ بومی تو نیست بلکه انعکاس فرهنگ توست. ارزش‌های اعتقادی هم همینطور است شما میخواهید در مورد زندگی امام خمینی فیلم بسازید اینکه بخواهید عین امام را بسازید که کپی کاری است اگر بتواند زندگی ایشان را عوض کند آن موقع زرنگ هستید امام حسین میسازید اگر بگوی نظر شخصی من این است و واقعه کربلا را تغییرش بدی آن موقع خلاق هستی به همین لحاظ است که فیلمسازی مملکت ما در اختیار اعتقادات مان نیست و در اختیار فرهنگ بومی این مملکت نیست فیلمساز ما یک هنرمند در خدمت اعتقادات جامعه‌هاش نیست به او گفته‌اند که تو بایستی زشتی‌های جامعه ات را ببینی نه زیباییها و ارزش هایش را، باید منتقد باشی، باید طرح موضوع کنی بعضی از کلمات زیبا را به‌کار می‌برند و و هنرمند هم چون از سطح شعور علم و ادراک پایینی برخوردار است نمیگذاردند هنرمند از سطح علمی، ادراکی، اخلاقی و تربیتی بالای برخوردار باشد بایستی کسی هنرمند شود که بتوان فریبش داد و وادارش کرد به ساخت فیلمی که اسمش سیاه نگری است.

ادامه دارد . . .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۷۵۰/دشمن-چنگ-فرهنگي-اتا-ايران-سينماي/>